



فلسفه حفاظت از محیط زیست در نگاه اسلام

* دایوش بابائیان^۱، سمیه بابائیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

صفحه ۳ تا ۱۸

چکیده

بحران زیست‌محیطی در جهان امروز یک مسأله قابل تأمل است. با وجود صرف هزینه‌های کلان در جهت برقراری پروژه‌های بزرگ فنی برای نیل به حفاظت از محیط‌زیست، خروجی چندان رضایت‌بخشی به بار ننشسته است. به تبع آن در سال‌های اخیر اندیشمندان اسلامی را به این مهم رهنمون نموده است که جدای از امور فنی، رویکرد به کارگیری فلسفه مبتنی بر دین و اخلاق در جهت تسهیل این مسأله بسیار راهگشا است. در نگاه اسلام ضمن ارج‌نهادن به منابع طبیعی و محیط‌زیست، هدف از خلقت این موهبت‌های الهی را در جهت خدمت‌رسانی به تمام موجودات هستی دانسته‌اند. در نوشتار پیش رو به دو نگرش متقابل در باب عدم حفاظت از محیط‌زیست پرداخته شده است؛ جنبه نخست با رویکردی دینی، بحران محیط‌زیست را در بکار نگرفتن آموزه‌های دینی دانسته است و جنبه دوم با رویکردی غیردینی، تعالیم دینی چون عدم وابستگی و دل‌دادن به دنیا را موجب استفاده بی‌حد و حصر از محیط طبیعی قلمداد نموده‌اند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با سنجش تطبیقی دو دیدگاه فوق و مبنا قرار دادن دین اسلام، مدعی است؛ کم‌رنگ‌شدن آموزه‌های دینی در باب منابع طبیعی و به دنبال آن فاصله‌گرفتن عموم مردم از این تعالیم، در تشدید بحران محیط‌زیست نقش مستقیم دارد و راه‌حل آن را تقویت بعد معنوی فردی و اجتماعی جامعه در مسأله مورد تحقیق دانسته است.

واژه‌های کلیدی: فلسفه، حفاظت، محیط‌زیست، اسلام.

۱. دکتری فلسفه و کلام اسلامی، مدرس پردیس شهید مدرس، دانشگاه فرهنگیان ایلام، ایران. babaeiandariush@gmail.com

۲. کارشناس ارشد فیزیولوژی گیاهان زراعی، کارمند جهاد کشاورزی شهرستان دره شهر، ایلام، ایران.

مقدمه

محیط‌زیست و یا اکولوژی، علمی است که راجع به امور حیاتی و ضد حیاتی پیرامون هر موجود زنده بحث می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۴). به بیانی دیگر؛ محیط‌زیست عبارت است از همه چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند و روی آن‌ها تأثیر می‌گذاریم و آن‌ها نیز ما را متأثر می‌سازند و شامل محیط طبیعی، محیط مصنوعی و محیط اجتماعی است. فلسفه محیط‌زیست^۱؛ شاخه‌ای از فلسفه یا به اصطلاح فلسفه مضافی است که مربوط به محیط طبیعی و جایگاه انسان بحث می‌کند. سؤالات و تعارضاتی مهمی در ارتباط با روابط زیست‌محیطی انسان در این شاخه از فلسفه مطرح می‌شود؛ آیا ارزش محیط‌زیست ذاتی است یا مقدمه‌ای؟ تعاملات دینی انسان با محیط‌زیست چگونه است؟ فضائل اخلاقی ارتباط با محیط‌زیست چیست؟ وقتی از طبیعت صحبت می‌کنیم منظورمان چیست؟ ارزش طبیعت چیست؟ چگونه باید به چالش‌های زیست‌محیطی مانند تخریب محیط‌زیست، آلودگی و تغییرات آب و هوایی پاسخ دهیم؟ چطور می‌توانیم رابطه بین جهان طبیعی و تکنولوژی و توسعه انسانی را به نحو احسن درک کنیم؟ جایگاه ما در دنیای طبیعی کجاست؟ باین‌وصف؛ فلسفه محیط‌زیست به‌عنوان زمینه‌ای برای مقابله با چالش‌های قرن ۲۱ از موقعیت منحصر به فرد برخوردار می‌باشد و شامل اخلاق محیط‌زیست، زیبایی‌شناسی محیط‌زیست، الهیات محیط‌زیست و ... می‌باشد.

بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم برای زندگی به‌عنوان یکی از مواهب الهی مطالبه‌آحاد مردم است. از طرفی امروزه توجه جوامع به این مسأله جلب شده است که فقط انسان‌ها از حقوق مختلف برخوردار نیستند، بلکه تمام آنچه روی زمین وجود دارد؛ مانند کوه‌ها، دریاها، حیوانات و گیاهان نیز دارای حقوقی هستند. انسان تمام مخلوقات را زیر سیطره خود دارد و از آنها به نفع خود بهره‌برداری می‌کند؛ ولی آیا این تصرفات هیچ حد و حصری در قوانین دینی ندارد و دست انسان برای هر نوع انتفاعی باز گذاشته شده است؟



در گذشته، مسأله آلودگی محیط زیست به صورت جدی مطرح نبود و توجه زیادی را به خود جلب نکرده بود و انسان از نعمت داشتن محیطی پاک برخوردار بود؛ اما انسان به یاری تعقل و به مدد ابزار، به مهار و رام نمودن عوامل طبیعی و بهره‌کشی از آنها در جهت منافع خود پرداخت، جنگل‌ها را به صورت زمین‌های قابل کشت و زرع درآورد، مسیر جریان آب رودخانه‌ها را تغییر داد و به ساختن بناها و آثار عظیم اقدام کرد و در صدد کشف فنون بهره‌برداری همراه با تخریب هر چه بیشتر از منابع طبیعی برآمد؛ چرا که جمع‌کثیری از آنان بر این باورند که می‌توانند از ذخایر و منابعی که طبیعت به وی ارزانی داشته، جاودانه استفاده کند.

گسترش بحران‌های زیست‌محیطی که دامنه‌اش علاوه بر انسان، حیوانات و گیاهان را نیز دربر گرفته است، سبب شده جوامع انسانی به این مسأله توجه بیشتری معطوف نمایند. تا جایی که اکنون بیش از دویست و سی پیمان بین‌المللی زیست‌محیطی وجود دارد. اگر چه بیشتر این پیمان‌ها طی سی سال گذشته منعقد شده‌اند، اما درست اجرا شدن این پیمان‌ها و سهولت‌انگاری مجریان سبب شده است این پیمان‌ها تأثیر قابل توجهی نداشته باشند (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۰). در کنار این پیمان‌های بین‌المللی گوناگون با مبانی متفاوت، برخی با اصل‌ت دادن به انسان، زمینه‌های تسلط بیشتر انسان بر محیط را فراهم کرده و در مقابل، عده‌ای با اهمیت دادن به طبیعت، تصرفات تخریبی انسان در محیط را نهی کرده‌اند. گاهی هم حتی حکم به حرمت هر گونه استفاده از گونه‌های گیاهی و حیوانی داده‌اند (پرمن، ۱۳۸۲). یکی از ابعاد مهم توجه به این مسأله، نگاه از منظر دینی است. در این زمینه، دو دیدگاه متقابل وجود دارد: از یک سو، عده‌ای بحران حاضر را ناشی از فاصله گرفتن از تعالیم ادیان دانسته، راه حل را در افزایش زمینه‌های تربیت دینی و اخلاقی می‌دانند. از سوی دیگر، عده‌ای با نگاه غیردینی و با اتخاذ موضعی متضاد، مشکل را در آموزه‌های دینی جستجو کرده و آنها را در این بحران مؤثر دانسته‌اند (هات، ۱۳۸۲).

نظام فلسفی مبتنی بر انسان‌محوری، با نفی اعتقادات مذهبی و رویکرد ماورای طبیعی به جهان هستی، طبیعت را تحت حاکمیت مطلق انسان قرار داده است. انسان با تحولات و پیشرفت‌های چشمگیر در علوم طبیعی، نیازی به حضور اراده و مشیت خدا و دخالت او در امور فردی و اجتماعی نمی‌بیند و نظام طبیعی را تنها منشأ ارزش و غایت امور بشری و طراح زندگی او می‌داند. در مقابل، نظام فلسفی طبیعت‌گرا نیز به علت آنکه می‌خواسته مشکل را از همان زاویه حل کند، راه به جایی نبرده و دچار افراط و تفریط شده است.

اما در نگاه اسلام، انسان از ظرفیت بالایی برای حفظ محیط زیست برخوردار است و قرآن کریم انسان‌ها را از سلطه‌گری طبیعت و اتلاف منابع بر حذر داشته است. هدف اساسی این مکتب تغییر در نگرش انسان نسبت به آنچه در اختیار دارد، است؛ بدین معنا که او باید به این فهم و ادراک عمیق برسد که امانت‌دار است و امکانات و منابع طبیعی و زیست‌محیطی را که بر اساس مصالحی در اختیار او قرار داده شده، را فقط در جایی می‌تواند استفاده کند که مالک حقیقی‌اش اجازه می‌دهد و همه ابعاد فردی، اجتماعی، انسانی و غیرانسانی استفاده از منابع زیست‌محیطی را نیز باید در نظر بگیرد.

باین وصف او حق ندارد رفتارهایی نسبت به طبیعت داشته باشد که منجر به تخریب آن گردد. انسان در سایهٔ دین اسلام نه تنها دست خود را به تخریب محیط زیست نمی‌آلاید، بلکه خود و دیگران را نیز به ارتقای سطح آن ترغیب می‌کند؛ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا (نساء: ۱۲۶) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است تنها از آن خداوند است و خداوند همواره بر هر چیز احاطه دارد.

مروری بر ادبیات تحقیق

انسان با توجه به خصوصیات منحصر به فردی که دارد از جمله قدرت تفکر و بهره‌کشی و استعمار، از زمانی که پای در عرصه حیات گذاشت به دنبال استفاده از امکانات محیط زیست برای زندگی و آسایش بوده است. اما رشد جمعیت انسان و استفاده بی‌اندازه در ابعاد مختلف از طبیعت و سوء استفاده عده‌ای افراد سودجو و کوتاه‌فکر، نابودی حیات بعضی از موجودات و اختلال در محیط زیست‌های مختلف اتفاق افتاد. در این میان انسان‌های متفکر و آینده‌نگر و دوستدار حیات از زمان‌های گذشته تلاش وافر کردند تا استفاده از طبیعت، به حالت تعادل توأم با تعامل و محبت برگردد و در ازای استفاده از طبیعت، نیازهای اساسی او نیز برآورده سازد تا ادامهٔ حیات آن میسر گردد.

از جمله عوامل مؤثر در هدایت انسان‌های متفکر و آینده‌نگر برای پاسداری از طبیعت می‌توان از ادیان آسمانی نام برد که ضمن دعوت انسان به مطالعه در طبیعت و مشاهده آثار صنع الهی، او را به حفظ این گنجینهٔ ارزشمند الهی ملزم ساخته‌اند. ادیان مختلف برای انسان و محیطی که در آن زندگی می‌کند، رهنمودهای فراوانی برای داشتن زندگی شاداب و برخوردار از محیطی سالم، برای پیروان خود ارائه کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۰).

در جوامع غربی، مکاتب مختلف نظراتی در نحوه تعامل با محیط زیست دارند؛ ولی به جهت محدودیت مبنای فکری آنها، همواره در میان آنها تعارضات شدیدی بوده است. در سال ۱۹۹۸ میلادی نتیجه پژوهش سه‌ساله یک هزار دانشمند از کشورهای مختلف جهان در رابطه با دین و محیط زیست، از طریق دانشگاه هاروارد ارائه شد. در این پژوهش، آموزه‌ها و رهنمودهای ادیان رایج در جهان از جمله اسلام، مسیحیت و یهود دربارهٔ طبیعت و محیط زیست مورد تحقیق قرار گرفت و یافته‌های دانشمندان نشان داد که دین می‌تواند نقش حساسی در حل مشکلات زیست‌محیطی و آسایش موجودات داشته باشد، و نتیجه مهم این تحقیقات این گونه بیان شد که: «رویکرد به تعالیم دینی تنها راهکار نهایی برای حفظ محیط زیست جهان است» (اصغری لمفجانی، ۱۳۸۴).

در راستای تبیین و سیر تطور تاریخچه تحقیقات انجام شده، تا آنجا که جستجوی نویسندگان پیش رفت، روشن گردید، مبحث مستقل و منسجمی را که به صورت منقح و یکجا بحث از فلسفه حفاظت از محیط زیست در نگاه اسلام را بکاود، یافت نشد.

برخی پژوهش‌های نزدیک به موضوع در (کتب، مقالات و پایان‌نامه) از این قرار است: اخلاق محیط زیست در آیات متعددی از قرآن کریم مطرح شده و در کتب روایی نیز آمده است؛ به عنوان نمونه ابوابی در دو



مجلد از مجموعه بزرگ روایی بحارالانوار (ج ۶۳ و ج ۱۰۰) به این مهم اختصاص داده شده است. صانع پور (۱۳۸۲) و بنسون (۱۳۸۲) مکاتب فلسفی اخلاقی محیط زیست را بیان کرده‌اند که محققانی چون؛ هات (۱۳۸۲) تهدیدها و چالش‌های پیشرو در این باب را مطرح کرده‌اند که نصر (۱۳۷۹) آنها را جواب داده است. آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۶) در کتاب اسلام و محیط زیست و همچنین فراهانی (۱۳۸۵) در کتاب محیط زیست؛ مشکلات و راه‌های برون‌رفت از منظر اسلام، به این مسأله مهم پرداخته‌اند. محقق داماد (۱۳۸۴) در مقاله محیط زیست از دیدگاه حکمت متعالیه، این بحث را از منظر فیلسوف نامدار ملاصدرا شکافته است. محسن کریمیان عظیمی (۱۳۹۵) در مقاله‌اش با عنوان فلسفه طبیعت اشاراتی خوب به این مسأله داشته است. «اصول تربیت زیست محیطی در اسلام» از صادق اصغری. «اسلام و محیط زیست»، ترجمه اسماعیل حدادبان مقدم و «مقدمه‌ای بر اکولوژی انسان» تألیف دکتر خدابخش کرمی و همچنین مجموعه مقالات همایش ملی اسلام و محیط زیست از سازمان حفاظت و محیط زیست از نمونه‌های دیگری هستند که مراجعه به آنها خالی از لطف نیست. سعید فراهانی فرد (۱۳۸۴) در رساله دکتری با عنوان سازگاری بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام، گوشه‌ای از این بحث را از منظر دین اسلام تبیین نموده است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این نوشتار روش توصیفی - تحلیلی است؛ به این طریق که بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و یادداشت‌برداری از منابع تحقیق، فلسفه حفاظت از محیط زیست در نگاه اسلام به صورت جامع و سازگار بر مبنای مکاتب فلسفی و با استناد به آیات و روایات توصیف می‌شود و با به کارگیری روش‌های عام تحلیل و بررسی تطبیقی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

فلسفه و حفظ محیط زیست

بی‌گمان نگرش‌هایی متفاوت فلسفی نسبت به چگونگی برخورد با مسائل محیط زیست وجود دارد و از طرفی نگاه‌های تخریبی به محیط زیست برگرفته از اندیشه‌های فلسفی است که با صرف نظر از آموزه‌های دینی و در فضایی کاملاً غیردینی ایجاد شده است، در حالی که دین اسلام دیدگاهی معتدل دارند. به عنوان نمونه بعد رنسانس در اروپای قرن ۱۵ با الگو و اقتدای به این آموزه رنه دکارت فیلسوف نام‌آشنای فرانسوی؛ «عقل بشر برای حل هر مشکلی کافی است، به شرط آن که روش صحیح به کار بردن عقل را بدانند» (فروغی، ۱۳۹۶). ذهن و همت اروپائیان به این مسأله معطوف شد که با مدد از عقل به کسب پیشرفت‌های علمی و فن آوری در زمینه‌های مختلف پردازند و در حقیقت در این زمینه به پیشرفت‌های چشمگیر و شگرفی دست یافتند که آن پیشرفت‌های صنعتی و... علاوه بر فواید مثبت و غیرقابل انکار، مشکلات و فجایع زیست محیطی

بزرگی نیز با خود در پی داشت.

دو نظام فلسفی مهم و درعین حال متمایز؛ فلسفه اصالت انسان و فلسفه اصالت طبیعت در ارتباط با نگرش نسبت به محیط‌زیست وجود دارد:

۱- فلسفه انسان‌گرا

در فلسفه انسان‌گرا، تکالیف فقط به جوهر وجودی انسان‌ها، چه به صورت فردی و یا اجتماعی مربوط می‌شود. هر چند ممکن است انسان‌ها علاقه‌مند رعایت حقوق سایر موجودات و گونه‌های حیاتی باشند، ولی سایر موجودات غیر از انسان هیچ حقوق یا مسئولیتی ندارند. بر اساس این تفکر انسان‌محور، درباره محیط‌زیست تصمیم‌گیری و حقوق آن تا جایی محترم شمرده می‌شود که منافع انسان تأمین گردد. این نظام فلسفی شامل دو قسم مهم است.

اقسام مکتب انسان‌گرایی

الف) فایده‌گرا: طرفداران مکتب اصالت فایده (هیوم^۱ و بنتام^۲) نتایج حاصل از افعال انسان را فقط بر این اساس که تا چه حد در کامیابی جامعه نقش داشته‌اند قابل ارزیابی می‌دانند. بر اساس آموزه‌های این مکتب؛ یک تابع رفاه اجتماعی معرفی می‌شود و معیار فعالیت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی قرار می‌گیرد. از این تابع اجتماعی، در تحلیل‌های بین‌نسلی استفاده شده است. بنابراین، توجه به محیط‌زیست و حفظ گونه‌های حیوانی و گیاهی تا جایی که تأمین‌کننده منافع جامعه‌ای باشد که انسان در آن زندگی می‌کند در صدد حفظ آن برمی‌آید (پرمن، ۱۳۸۲).

ب) آزادی‌خواه: در مقابل، مکتب آزادی‌خواه، حقوق انسانی را ذاتاً متعلق به تک‌تک افراد می‌داند و معتقد است: مفاهیمی همچون حقوق اجتماعی و حق جمعی و حق گروهی بی‌معناست. یکی از فلاسفه معاصر مکتب آزادی‌خواه رابرت نوزیک (۱۹۷۴) است. کار نوزیک متأثر از افکار آدام اسمیت^۳ و جان لاک^۴ است. نکته اصلی در بحث نوزیک، آزادی عمل است. طبق نظر او، توزیع زمانی عادلانه است که نتایج حاصل از آن کاملاً حاکی از انتخاب‌های آزادانه باشد، نه چیز دیگر. نتیجه تفکر مکتب آزادی‌خواه اهمیت داشتن منافع فرد است و به لحاظ اینکه افراد غالباً به آینده دور خود توجه ندارند، به‌ویژه آنکه محیط‌زیست نیز آثار خود را در فاصله زمانی که دورتر از یک نسل است نشان می‌دهد، انگیزه‌ای برای حفظ آن وجود ندارد (پرمن، ۱۳۸۲).

اگرچه هر دو مکتب حق حیات را منحصر به انسان می‌دانند، اما در تفسیر مسائل و نتایج آن اختلاف دارند.

۲- فلسفه طبیعت‌گرا

برعکس انسان‌گرایی، در نظام طبیعت‌گرا، تقدم جوهر وجودی انسان بر سایر موجودات رد شده، اخلاق فقط با ملاحظه برخی نظام‌های طبیعی شامل اجزای حیاتی و غیرحیاتی قابل تعریف است.

1. Hume
2. Bentham
3. Adam Smith
4. John Locke



بیان آلدو لئوپولد را می توان موضع بسیاری از طرفداران محیط زیست نیز به شمار آورد: فقط چیزی حق است که گرایش به زیبایی، کمال و پایداری حیات اجتماعی داشته باشد. در غیر این صورت، آن چیز باطل و غیرواقعی است (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۴۶، به نقل از: آلدو لئوپولد، ۱۹۴۹م، ص ۲۶۲). واتسون^۱ (۱۹۷۹) از نویسندگان مکتب طبیعت گرا، اصل مورد توجه کانت را مبنی بر اینکه احترام به انسان ضروری است، با استفاده از اصل واکنش متقابل، به حیوانات رده بالا و باهوش تعمیم داده است. گودپاستر (۱۹۷۸)^۲ با طرح اینکه تعهدات انسان نسبت به سایر حیوانات گسترش یافته است، نتیجه گرفت هر موجودی در عالم هستی جدای از زنده بودن، دارای حقوقی است که باید از سوی دیگران رعایت شود. هانت (۱۹۸۰)^۳ این موضوع را به همه موجودات گسترش داد و گفت: تمام موجودات هستی، اعم از زنده و مرده، با روح و بدون روح، دارای حقوق ذاتی هستند (پرمن، ۱۳۸۲). معمولاً بوم‌شناسان افراطی که هرگونه تصرف در طبیعت را منع می‌کنند، دارای چنین بینشی هستند

اسلام و حفظ محیط زیست

دین اسلام به عنوان یک مکتب همه‌جانبه، برای همه نیازهای انسان برنامه دارد (مطهری، ۱۳۹۶) و به طور طبیعی بر اساس میانی فلسفی، کلامی مرتبط با هم برای حفظ و ارتقای محیط زیست، از برنامه‌ای منسجم و هماهنگ برخوردار است:

۱- نگاه به طبیعت: دین اسلام به طبیعت نگاهی متعادل دارد؛ نه راه افراط پیموده و آن را مسجود انسان می‌داند و نه به آن بی‌توجهی کرده و آن را طفیلی و در خدمت انسان دانسته است. بلکه طبیعت را به مثابه آیات و نشانه‌هایی بر معرفت به خالق هستی معرفی می‌کند و برای آن ملکوت قائل است و انسان با تأمل و نگرش در این آیات به اهمیت طبیعت و حفظ محیط زیست رهنمون خواهد شد؛ *قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ* (یونس: ۱۰۱) بگو: در آسمان‌ها و زمین بنگرید تا چه مشاهده می‌کنید و (گر چه) مردمی را که نخواهند ایمان آورند دلایل و آیات و بیم دادن‌های الهی هرگز سودمند نمی‌افتد. *سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنْهَ الْحَقُّ اَوْلَمَ يَكْفِرْ بِرَبِّكَ اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ* (فصلت: ۵۳) ما آیات (قدرت و حکمت) خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که خدا (و آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه) بر حق است. آیا همین حقیقت که خدا بر همه موجودات عالم پیدا و گواه است کفایت (از برهان) نمی‌کند؟ *اَفَلَمْ يَرَوْا اِلٰى مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ اِنْ نَّشَا نَحْسِفُ بِهِمُ الْاَرْضَ اَوْ نَسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ اِنْ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةٌ لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنبِئٍ* (سبأ: ۹) (آیا) کافران منکر قیامت) به آسمان و زمین که بر آنها از پیش و پس احاطه کرده ننگریستند (تا از حکمت خلقت پی به زندگانی ابدی قیامت برند) که اگر ما بخواهیم آنها را به زمین فرو می‌بریم یا یک قطعه از آسمان را بر سرشان فرود آوریم؟ همانا در آن آیتی (از حکمت و قدرت ما) بر هر بنده خدا شناس با اخلاص به خوبی پدیدار است.

1. Watson

2. Good Pastor

3. Hunt

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (عنكبوت: ۴۴) خدا آسمانها و زمین را به حق (و در کمال حکمت) آفریده (نه بر باطل و لغو و عبث) و در این خلقت آسمان و زمین آیت و نشانه‌ای (از ربوبیت) برای اهل ایمان کاملاً پدیدار است. وَ اٰخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَاٰحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (جاثیه: ۵) و نیز در رفت و آمد شب و روز و آنچه خدا از آسمان روزی (برای خلق از برف و باران) می‌فرستد و زمین را پس از خزان مرگ دیگر بار بدانها زنده می‌سازد و در وزش بادهای عالم، در همه این موجودات برای خردمندان جهان آیاتی (از قدرت صانع) پیداست. وَكَذٰلِكَ نُرِي اِبْرٰهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ وَلِيَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ (انعام: ۷۵) و این چنین ما به ابراهیم ملکوت و باطن آسمانها و زمین را ارائه دادیم (تا یکتایی پروردگارش را دریابد) و تا به مقام اهل یقین رسد

۲- نقش طبیعت: نقش طبیعت و منابع زیست‌محیطی در حیات و بقای انسان قابل تردید نیست. بلکه تمام عناصر طبیعت از نعمت‌های الهی است که خداوند به انسان ارزانی داشته تا بتواند با استفاده از آنها، راه کمال و سعادت را طی کند و به کمال وجودی خویش برسد. خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما گردانید تا کشتی در آن به حرکت درآید و بتوانید از فضل خدا بهره ببرید و شاید شکر نعمت‌های او را بجا آورید الله الذی سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفَلَکَ فِیْهِ بِاَمْرِهٖ وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ (جاثیه: ۱۲) خداوند کسی است که دریا را برای شما رام کرد تا به فرمان او کشتی‌ها در آن جریان پیدا کنند و تا از فضل او جستجو کنید و شاید شکرگزاری کنید. وَهُوَ الَّذِی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَاْكُلُوْا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُ مِنْهُ حَبْلًا مِّنْهُ وَتَلْبَسُوْنَهَا وَتَرَى الْفَلَکَ مَوَآخِرَ فِیْهِ وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ (نحل: ۱۴) و هم او خدایی است که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت تر و تازه (ماهیان حلال) آن تغذیه کنید و از زیورهای آن (مانند در و مرجان) استخراج کرده و تن را بیارابید، و کشتی‌ها را در آن روان بینی که سینه آب را می‌شکافند (تا به تجارت و سفر رفته) و تا از فضل خدا روزی طلبید، و باشد که شکر خدا به جای آرید.

۳- هوشمندی طبیعت: از منظر دین اسلام جهان طبیعت موجودی هوشمند و دارای حیات بوده و قوانینی بر آن حاکم است که در صورت تخطی انسان از آنها، زمینه‌های هلاکتش را فراهم می‌آورد. از نظر علامه طباطبائی انسان در مسیر زندگی‌اش و در سیر به سوی سرمنزل سعادت، با سایر اجزای عالم ارتباط کامل دارد و در صورتی که حرکاتش سازگار با آن موجودات باشد آنها نیز سازگار با او خواهند بود و برکات آسمان به سویی سرزیر خواهد شد، و در صورت ناسازگاری، رفتاری ناسازگار با او داشته، در نبود ساختن او سعی خواهد کرد، مگر اینکه دست از فساد و گناه بردارد (طباطبائی، ۱۳۸۳).

علامه با بیانی شیوا هوشمندی طبیعت را مرقوم فرموده است.

۴- انسان امانت‌دار طبیعت: در مکتب اسلام، مالک حقیقی همه موجودات خداوند است و این



مالکیت را بنا به مصالحی در اختیار انسان قرار داده است. اما این مالکیت به طور مطلق و رها نیست، بلکه انسان امانت‌دار خداوند است و باید در رفتار خود با محیط‌زیست و استفاده از منابع طبیعی و زیست‌محیطی اصول امانت‌داری را رعایت نماید؛ آیه شریفه **وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا** (نساء: ۵) و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید. **أَمْوَالُ اللَّهِ وِرَسُولِهِ وَاَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ** (حدید: ۷) (الا ای بندگان) به خدا و رسول او ایمان آرید و از آنچه شما را در آن وارث گذشتگان گردانید (به راه خدا) انفاق کنید، پس بر آنان که از شما ایمان آوردند و انفاق کردند پاداش بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود گواه بر این مطلب است که انسان مالک حقیقی داشته‌هایش نیست؛ بلکه از جانب خداوند به او امانت‌داده شده است و طبیعت نیز از این اصل امانت‌داری انسان، مستثنی نیست.

۵- حفظ محیط‌زیست: در دین اسلام، حفظ مواهب طبیعی یکی از اهداف اساسی است و از کسانی که به تخریب محیط‌زیست می‌پردازند به‌عنوان فسادکنندگان در روی زمین یاد شده است **وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ** (بقره: ۲۰۵) و هر گاه به قدرت و حکومت رسد برای فساد در زمین و نابودی زراعت‌ها و نسل کوشش می‌کند و خداوند فساد را دوست ندارد.

۶- آباد ساختن محیط‌زیست: در دین اسلام تنها به حفظ محیط‌زیست بسنده نشده، بلکه سفارش‌های فراوانی به آباد ساختن زمین شده است و راه‌های تشویقی نیز برای تحقق آن در نظر گرفته شده است؛ مثلاً حق مالکیت را برای احیای زمین‌های موات در نظر گرفته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، باب اول از کتاب احیای موات).

۷- عدالت در بهره‌مندی از طبیعت: در منظرگاه اسلام مواهب طبیعی برای رفاه همه انسان‌ها است؛ براین اساس افرادی که با استفاده ناروا از این نعمت‌ها، دیگران را محروم کنند برخلاف این اصل رفتار کرده‌اند **هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** (بقره: ۲۹) اوست آن کس که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفریده، سپس به آفرینش آسمان پرداخت و آنها را به‌صورت هفت آسمان، استوار نمود و او بر هر چیزی آگاه است؛ **أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ** (لقمان: ۲۰) آیا شما مردم به حس مشاهده نمی‌کنید که خدا انواع موجوداتی که در آسمانها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده؟ و (با وجود این) برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی‌خبری از کتاب روشن (حق) در (دین) خدای متعال مجادله می‌کنند.

نتیجه‌گیری

مکتب انسان‌گرا با محور قراردادن انسان و اصالت نفع او، چه به صورت نفع شخصی و چه در قالب اجتماع، تسلط انسان بر طبیعت و تخریب محیط‌زیست را به قیمت رفاه بیشتر انسان تجویز کرده و نقش اخلاق را در این تصمیم‌گیری نادیده گرفته است، در حالی که ویلسون نیز می‌گوید: سرشت انسانی دارای دو چهره منفعت‌طلبانه و نوع‌دوستانه است. این در حالی است که تحلیل‌های اقتصادی منحصر بر جنبه‌های منفعت‌طلبانه تأکید می‌کند (ویلسون، ۲۰۰۰). نظام فلسفی مبتنی بر انسان‌محوری با نفی اعتقادات مذهبی و رویکرد ماورای طبیعی به عالم و جهان هستی، طبیعت را تحت حاکمیت مطلق انسان قرار داده است. انسان با تحولات و پیشرفت‌های چشمگیر در علوم طبیعی، نیازی به حضور اراده و مشیت خدا و دخالت او در امور فردی و اجتماعی نمی‌بیند و نظام طبیعی را تنها منشأ ارزش و غایت امور بشری و طراح زندگی او می‌داند. در مقابل، نظام فلسفی طبیعت‌گرا نیز به دلیل آنکه می‌خواسته است مشکل را از همان زاویه حل کند، راه به جایی نبرده و دچار افراط و تفریط شده است. یکی از مشکلات اساسی مکاتب فلسفی انسان‌محور و طبیعت‌گرا انهدام بنیادهای مبتنی بر توجه به رابطه انسان با خداست. در حقیقت، انسان با قطع رابطه خویش با خدای خالق هستی، روابط هماهنگ خود با سایر مخلوقات و کل عالم وجود را نیز با مشکل مواجه کرده است. انسان با این نگرش، در پی استیلای بر طبیعت است و شاید در کوتاه‌مدت و از نظر ظاهری، بتواند به این آرزو دست یابد که تا حد زیادی هم در این زمینه موفق شده است. اما انسان عصر حاضر باید توجه داشته باشد که طبیعت هوشمند نیز برای بقا و تعادل خویش، از قانون و سنت خلقت پیروی می‌کند و تمامی نیروهایش را بسیج کرده تا با انسان به مقابله بپردازد. طرفداران محیط‌زیست نیز که بر اساس فلسفه اخلاقی طبیعت‌گرایانه، توجه بیشتری به محیط‌زیست و گونه‌های زیست‌محیطی دارند، علاوه بر آنکه در برخی از جهات راه افراط در پیش گرفته‌اند، خداوند را از رفتار انسان کنار زده‌اند و همین علت اصلی موفق نبودن ایده‌های متعادل آنان است.

در مقابل، دین اسلام از ظرفیت بالایی برای کاهش بحران و کاهش تخریب محیط‌زیست برخوردار است. هدف اساسی این نظام تغییر در نگرش انسان است نسبت به آنچه در اختیار دارد تا به این فهم و ادراک عمیق برسد که او امانت‌دار است و امکانات و منابع طبیعی و زیست‌محیطی را که بر اساس مصالحی در اختیارش قرار داده شده، فقط در جایی می‌تواند استفاده کند که مالک حقیقی آن اجازه می‌دهد و همه ابعاد فردی، اجتماعی، انسانی و غیر انسانی استفاده از منابع زیست‌محیطی را باید در نظر بگیرد. در نتیجه، حق ندارد با طبیعت رفتارهایی داشته باشد که منجر به تخریب آن می‌شود. در دین اسلام علاوه بر اهتمام به تصحیح اعتقادات انسان و تقویت ایمان او، به گونه‌ای که به طور طبیعی و خودکار این مهم را انجام دهد، رهنمودهای اخلاقی فراوانی در جهت تربیت انسان وارد شده است که در سایه آن، نه تنها دست خود را به تخریب محیط‌زیست نمی‌آلاید، بلکه خود و دیگران را به ارتقای سطح آن ترغیب می‌کند. رعایت اصول مطرح در قرآن مانند دوری از اسراف و تبذیر، رعایت میانه‌روی و تعادل و قناعت، و نهی از فساد در زمین، بهره‌برداری و حفاظت



از محیط‌زیست را در مسیر منطقی و انسانی قرار می‌دهد.

پیشنهاد و راهکار بر مبنای دین اسلام

هرگاه آدمیان به دستورات تعالیم اسلام اعم از عقل و فطرت به‌عنوان رسول باطنی در کنار پیامبران به همراه کتاب راهنمای زندگی عمل کنند و با امانتی که خداوند در اختیارشان قرار داده است، بر اساس رهنمودهای ارائه شده رفتار کنند، مشکلات فراوان زیست‌محیطی که اکنون با آن درگیریم رخت برمی‌بندد.

تعالیم الهی در این زمینه، دودسته‌اند؛ بعضی از آموزه‌ها برای تعیین وظیفه فردی و برخی نیز با نگاه کلان، تعیین‌کننده وظایف اجتماعی‌اند:

۱- پیشنهاد در بعد فردی

الف. آموزه‌های الزامی: آموزه‌های الزامی چون حداقل‌های لازم را درباره محیط‌زیست بیان می‌کنند، برخی از آنها ارائه می‌شود:

- **نهی از ظلم:** إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (شوری: ۴۲)

ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به‌ناحق ظلم روا می‌دارند. برای آنان عذاب دردناکی است.

ظلم در قرآن کاربردهای گوناگونی دارد؛ مانند ظلم انسان به خودش، ظلم به خدا و یا ظلم به دیگران همچون عدم حفاظت از محیط‌زیست که هر کدام عواقب و نتایج خاص خود را دارد و بی‌تردید ظلمی آشکار به خود، دیگران و طبیعت است؛

- **نهی از ضرر رسانی منابع عمومی:** لَا ضَرَرَ وَلَا إِضْرَارَ فِي الْإِسْلَامِ، فَالْإِسْلَامُ يَزِيدُ الْمُسْلِمَ خَيْرًا وَلَا يَزِيدُهُ شَرًّا (پیامبر اکرم) در اسلام ضرر و زیان زدن به دیگران ممنوع است؛ زیرا اسلام بر خیر مسلمان می‌افزاید و شری به او نمی‌رساند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، باب ۱۲ کتاب احیاء الموات، ح ۱ و ۳)؛

- **نهی از اسراف:** وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالتَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام: ۱۴۱) و او آن خدایی است که برای شما بستان‌ها از درختان داربستی و درختان آزاد و درختان خرما و زراعت‌ها که میوه و دانه‌های گوناگون آرند و زیتون و انار و میوه‌های مشابه و نامشابه آفرید. شما هم از آن میوه‌ها هرگاه برسد تناول کنید و حق آن را (زکات فقیران را) در روز درو و جمع‌آوری آن بدهید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد؛

- **نهی از فساد روی زمین:** وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا

يُحِبُّ الْفَسَادَ (بقره: ۲۰۵) و هر گاه به قدرت و حکومت رسد برای فساد در زمین و نابودی زراعت‌ها و نسل کوشش می‌کند و خداوند فساد را دوست ندارد.

ب. رهنمودهای ترغیبی: آیات و روایات زیادی با این نگرش وجود دارد که به برخی از باب نمونه اشاره می‌شود:

- در بعضی آیات، به انسان یادآوری شده مواهب زیست‌محیطی آن به امانت در اختیار او قرار گرفته و از او خواسته شده به آبادی امانتی که به او سپرده شده است بپردازد و آن را از هر گونه تباهی حفظ کند: بر مبنای آیات؛ وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ (آل عمران: ۱۸۹) و حکومت آسمان‌ها و زمین برای خداست و خداوند بر هر کاری تواناست. وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ بَلْ لَهٗ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهٗ قَانِتُوْنَ (بقره: ۱۱۶) و (برخی از اهل کتاب و مشرکان) گفتند: خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است. منزّه است او، بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست و همه در برابر او فرمان‌برند. مالکیت حقیقی تمام موجودات آفرینش از آن خداست و انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات به‌سان امانت از آنها بهره‌مند است. وَإِلٰى تَمُوْدَ اٰخَاهُمْ صٰلِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ هُوَ اَنْشَأَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا فَاسْتَعِفُّوْهُ ثُمَّ تَوْبُوا اِلَيْهِ اِنْ رَبِّىْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ (هود: ۶۱) و باز ما به‌سوی قوم ثمود برادرشان صالح را به رسالت فرستادیم، صالح به قوم خود گفت: ای قوم، خدای یگانه را که شما را جز او خدایی نیست پرستش کنید، او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت، پس شما از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید که البته خدای من (به همه) نزدیک است و شنونده و اجابت‌کننده است.

- آیات و روایات فراوانی چون... وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِيْنَ (توبه: ۹) و خدا کسانی که خواهان پاکیزگی اند را دوست می‌دارد، درباره تأکید دین بر نظافت (اعم از شخصی، منزل و محیط) وارد شده و حتی نظافت از اصول و نشانه‌های ایمان ذکر گردیده است وَالتَّنَظَّفَةُ مِنَ الْاِيْمَانِ (پیامبر اکرم) نظافت از ایمان است. علاوه بر این، خداوند عبادات خود را نیز با نظافت قرین ساخته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق)، همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: لَا تَطِيْبُ السُّكْنٰى اِلَّا بِثَلَاثٍ: الْهَوَاِ الطَّيِّبِ وَالْمَاِ الْعَزِيْزِ الْعَذْبِ وَالْاَرْضِ الْخَوَّارَةَ زَنْدَگِى بَدُوْنَ دَاشْتَن سَه چِيْز بَر اِنْسَانِ گَوَار اَنِيسْت: هَوَاِى تَمِيْز، آب فراوان و گوارا، و زمین حاصل خیز (همان).

- در روایات فراوانی، به حفظ راه‌ها، آب‌ها و سایر اماکن عمومی توجه داده شده و از هر گونه آسیب رساندن به این ثروت‌ها نهی شده است و از کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، تمجید شده است؛ از جمله، امام صادق (ع) می‌فرماید؛ آب مورد نیاز مردم را آلوده نکن (کلینی، ۱۴۲۹ق). و بر اساس روایت پیامبر اکرم، هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که موجب رنجش رهگذران است، برطرف کند خداوند اجر خواندن ۴۰۰ آیه از قرآن برایش ثبت می‌کند که هر طرف آن ده حسنه دارد (نوری طبرسی، ۱۴۰۷ق).

به همین سبب امام سجاد (ع) هر گاه کلوخی را در راه می‌دیدند از مرکب پیاده می‌شدند و آن را از سر راه (به‌عنوان مصداقی حفاظت محیط‌زیست) برمی‌داشتند (نوری طبرسی، ۱۴۰۷ق).



از سوی دیگر، کسانی که مسیر مردم را آلوده کرده یا مانعی در آن ایجاد کنند سرزنش شده‌اند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: سه گروند که در اثر کار خود، از سوی خداوند لعنت شده‌اند: الف). کسانی که اماکن عمومی، سایه‌بان‌ها و محل پیاده‌شدن مسافران را آلوده کنند؛ ب). کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند؛ ج). کسانی که سد معبر کرده، مانع عبور عابران شوند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

امام صادق (ع) از قول پدرانشان نقل می‌کند: پیامبر اکرم از قضای حاجت در کنار چاه آب آشامیدنی، نهر آب و یا زیر درخت میوه نهی کردند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

- در روایاتی مسلمانان به درخت کاری و زراعت تشویق شده‌اند که به نحوی در طراوت و حفظ محیط‌زیست مؤثرند؛ پیامبر اکرم می‌فرماید: ما من مسلم ینعرس غرسا أو یزرع زراعا، فیاکل منه طیرا أو إنسانا أو بهیمة، إلا کان له به صدقة مسلمانی که نهالی بکارد یا زراعتی به عمل آرد و از آن، انسان، پرند یا حیوانی استفاده کند، در نامه عملش ثواب صدقه نوشته می‌شود (نوری، ۱۴۰۷ق). و نیز فرموده‌اند: من غرس غرسا فأثمر، أعطاه الله من الأجر قدر ما یخرج من الثمرة کسی که درخت میوه ای بکارد خداوند به اندازه ثمر آن به او اجر می‌دهد (نوری، ۱۴۰۷ق). همچنین مسلمانان را به درخت کاری و آباد سازی محیط‌زیست، حتی در هنگام برپایی قیامت، تشویق کرده‌اند؛ هرگاه نهال خرمایی برای کاشتن در دستتان بود و قیامت برپا شد، اگر قادر به کاشت آن تا وقوع قیامت بودید، آن را بکارید (نوری، ۱۴۰۷ق).

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: خیر الأعمال الحرث... زراعت و کشاورزی را از محبوب‌ترین اعمال دانسته و فرموده‌اند: تمامی پیامبران غیر از ادیس که شغل خیاطی داشت، در کنار کار چوپانی، کشاورز بودند (نوری، ۱۴۰۷ق).

- به نهادینه ساختن فرهنگ آینده‌نگری در روایات، فراوان تأکید شده است. روایاتی که انسان‌ها را به عمران و آبادی زمین و به باقی گذاشتن ارث و به فکر آینده فرزندان بودن (کلینی، ۱۴۲۹ق)؛ و به وقف و صدقات جاریه (حر عاملی، ۱۴۰۹ق). تشویق می‌کنند.

بدیهی است طبق (دانشنامه موضوعی قرآن کریم) بیش از هفتصد و پنجاه آیه قرآن به اهمیت طبیعت و محیط‌زیست، ظواهر و جلوه‌های آن اشاره می‌کند و همچنین موارد مذکور از مصادیق بارز حفاظت از محیط‌زیست سالم است و چنین فرهنگی تدبیر نسبت به آینده محیط‌زیست را نیز به همراه دارد و بر خلاف اتهامی است که برخی از بوم‌شناسان به دین‌مداران می‌زنند و می‌گویند: دین‌داران با موقت‌انگاری دنیا، در صدد آبادانی آن نیستند.

۲- پیشنهاد در بعد اجتماعی

بخشی قابل توجهی از تعالیم دین اسلام با نگاه کلان و قراردادی فرد در اجتماع تشریح شده است. اصولاً مهم‌ترین فلسفه پیامبر اسلام (ص) که در اولین فرصت اقدام به تشکیل دولت کردند، احکام اجتماعی اسلام بود. در ارتباط با مسأله حفظ محیط‌زیست خداوند متعال به احکام فردی اکتفا نکرده

و برای اینکه تحقق این هدف تضمین بیشتری داشته باشد در قالب احکام اجتماعی نیز راه کارهایی ارائه کرده‌اند. در این میان، می‌توان به طور روشن، به نهاد امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

امر به معروف و نهی از منکر: از آیات قرآن و روایات بسیار استنباط می‌شود که بسیاری از اهداف اجتماعی لازم است در وهله اول، از طریق خود مردم صورت گیرد و ضمانت اجرای آنها نیز خودشان باشد. نهادینه شدن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر بر حفظ محیط زیست تأثیر زیادی دارد؛ زیرا عموم مردم خود را در آن سهیم خواهند دانست و انگیزه فراوانی برای انجام آن پیدا خواهند کرد و نوعی نظارت عمومی بر چگونگی استفاده از منابع و حفظ محیط فراهم خواهند آورد.

قرآن کریم در باب صفات مؤمنان می‌فرماید: *وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (توبه: ۷۱)*. مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند به موجب این آیه، افراد مؤمن به سرنوشت یکدیگر علاقمند بوده و به منزله یک پیکر هستند. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد، در کل جامعه تأثیر بگذارد؛ چنان‌که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد.

منابع:

- قرآن کریم.
- اصغری لقمجانی، صادق. (۱۳۸۴). اصول تربیت زیست‌محیطی در اسلام، تهران: انتشارات سپهر.
- بنسون، جان. (۱۳۸۲). اخلاق زیست‌محیطی، ترجمه: محمد مهدی رستمی شاهرودی، تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست.
- پرمن راجرز، یوما و مک‌گیل، ری جیمز. (۱۳۸۲). اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، ترجمه: حمیدرضا ارباب، تهران: نیا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین، قم: اسراء.



- وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت (ع). حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). -
 - تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، - دیرباز، عسگر و حسن دادگر. (۱۳۸۰)
 - صانع پور، مریم. (۱۳۸۲). فلسفه اخلاق و دین، تهران: آفتاب توسعه.
 - طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعه طباطبایی.
 - فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۵). اقتصاد محیط‌زیست و منابع طبیعی. تهران: سمت.
 - فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۴). سازگاری بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
 - فروغی، محمدعلی. (۱۳۹۶). سیر حکمت در اروپا (رساله گفتار در روش راه‌بردن عقل رنه دکارت)، تهران: هرمس، تهران.
 - کریمیان عظیمی، محسن. (۱۳۹۵). فلسفه طبیعت، همایش ملی آبی‌پروری و اکوسیستم آبی پایدار.
 - کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۲۹ ق). الکافی، جلد سوم، قم: دارالحدیث.
 - محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۴). محیط‌زیست طبیعی از دیدگاه حکمت متعالیه، خردنامه صدرا، شماره ۴۲.
 - مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
 - مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). انسان و ایمان، جلد اول، قم: صدرا.
 - نصر، سید حسین. (۱۳۷۹). نیاز به علم مقدس، ترجمه: حسن میان‌داری، قم: طه.
 - نوری طبرسی، میرزا حسین. (۱۳۲۰). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
 - هات، جان اف. (۱۳۸۲). علم و دین، ترجمه بتول نجفی، قم: کتاب طه.
- Wilson, James Q, 2000, «Two Cheers for capitalism», The Public Interst, 139:72-87.

The philosophy of environmental protection in Islam viewpoint

Dariush Babaeian¹ * Somaieh Babaeian²

Abstract

The environmental crisis in today's world is a serious issue. Despite spending large amounts of money to establish large technical projects to achieve environmental protection, the output has not been very satisfactory. Accordingly, in recent years, it has led Islamic thinkers to the important point that apart from technical issues, the approach of applying philosophy based on religion and ethics is very helpful in facilitating this issue. In the eyes of Islam, while respecting natural resources and the environment, they consider the purpose of creation of these divine gifts to serve all beings in the world. In the leading article, two mutual attitudes about the lack of environmental protection have been discussed; The first aspect: with a religious approach, he considered the environmental crisis in not applying religious teachings, and the second aspect: with a non-religious approach, he considered religious teachings such as non-dependence and caring for the world to be the cause of unlimited use of the natural environment. This article claims with a descriptive-analytical method and with a comparative assessment of the above two views and placing the Islamic religion as a basis; The weakening of religious teachings about natural resources, followed by the distancing of the public from these teachings, has a direct role in intensifying the environmental crisis, and the solution is to strengthen the individual and social spiritual dimension of the society in the researched issue.

Keywords: Philosophy, Conservation, Environment, Islam.

1.Farhangian university, Ilam, Iran. babaeiandariush@gmail.com

2.Agricultural jahad, Dareshahr, Ilam, Iran